

# قدردانی از دهکده شمشیربازی من!

ترجمه: عباسعلی فاریابی

۱۴۰۳/۱۰/۱۴

در هر ورزشی از جمله شمشیربازی، هیچ ورزشکاری به تنهایی روی پای خود نمی تواند بایستد. پشت هر مسابقه موفقیت آمیز یا ناموفق، ورای هر بازی باخته یا برده، و پشت هر حرکت زیبا و به موقع اجرا شده یا ناشیانه، جامعه ای از افراد نهفته است که حمایت، راهنمایی و فداکاری آنها به ما کمک می کند تا به یک شمشیرباز واقعی تبدیل شویم. بنابراین، در این مقاله، من دوست دارم از زبان یک شمشیرباز عمیق ترین قدردانی خود را از دهکده شمشیربازی خود ابراز کنم.



## والدین عزیزم

بابت آن همه رانندگی برای رساندن من به تمرین، ماندن در باشگاه تا آخر شب، سفرهای بی شماری به شهرهای مختلفی که میزبان مسابقات شمشیربازی بوده اند، بارها و بارها اصرار برای خوردن به موقع چاشت یا وعده غذایی، از شما سپاسگزارم. از شما ممنونم که وقتی جورابم را در خانه جا گذاشتم از دست من عصبانی نشدید، و تنها شانس موجود خرید یک جفت جدید بود، و هیچ به روی من نیاوردید (حتی وقتی من در چشمان شما عصبانیت واقعی را دیدم). من از شما تشکر می کنم وقتی آن سیم بدن جدید را در محل برگزاری مسابقات فراموش کردم و آن از دست دادم، هیچ چیز به من نگفتید. از شما متشکرم که وقتی می خواستم با دوستانم بازی ویدیویی بازی کنم، وانمود کردم که مریض هستم و شما تظاهر به باور کردید، اما وقتی بقیه اعضای خانواده تصمیم گرفتند به سینما بروند، به طور معجزه آسایی شفا پیدا کردم. از شما متشکرم که در راه بازگشت از مسابقه در ماشین سکوت کردید و از من نپرسیدید که فکر می کنم چه مشکلی برای آن همه باخت پیش آمده است. حضور شما در مسابقات، هر چقدر هم که شکست‌هایم برای تان آزاردهنده است، اما همیشه پشت من می ایستید و از من حمایت می کنید، مخصوصاً زمانی که چهره، صدا و رفتارم چیزی غیر از ناراحتی مطلق را نشان نمی دهد. و در نهایت، لطفاً بدانید که من برای اعتقاد و باور تزلزل ناپذیر شما به من بسیار بسیار ارزش قائل هستم.

## خواهر و برادر عزیزم

از شما متشکرم که پذیرفتید که همه تعطیلات خانوادگی ما باید بر اساس برنامه مسابقات من برنامه ریزی شود. از شما متشکرم که وقتی تی شرت مورد علاقه شما را پوشیدم وانمود کردید که متوجه نشدید زیرا تی شرت های من بعد از تمرین قبلی شسته نشده بودند و بوی

عرق می داد. ممنونم که وقتی ساعت ۶ صبح بیدارتون می کردم خفهام نکردید، زیرا باید قبل از بیدار شدن پدرم جوراب های شمشیربازی را پیدا کنم و به مسابقه بروم. لطفا بدانید که وقتی که والدین مان در طول شام بدون توجه به حضور شما درباره سفر من صحبت می کنند احساس بدی دارم. از شما متشکرم که وقتی دوستانتان به خانه ما آمدند اتاق نشیمن بوی تعفن ناشی از لباس های شمشیربازی من که برای هوا دادن به صندلی ها آویزان شده بود، می داد و شما به روی خود نیاوردید. از شما قدردانی می کنم به خاطر ویدیوهای بی شماری شمشیربازی که والدین مجبور تان کردند تماشا کنید، و وقتی حرکت "حمله روی آمادگی" را توضیح می دادم، در عین حالی که متوجه نمی شدید، بعنوان تأیید سر تکان می دادید. و وقتی برای صدمین بار توضیح دادم که چرا قضاوت داور کاملاً اشتباه بود تظاهر به همدردی می کردید. ممنونم که به من نگفتید: "ساکت شو و دفعه بعد سعی کن بهتر بازی کنی!". من از اعماق قلبم می دانم که شما چقدر در حقم فداکاری کرده اید و تلاش کرده اید تا روز، هفته یا حتی ماه من خراب نشود. و حتی با وجود اینکه مرا به خاطر پوشیدن آنچه شما "پیژامه سفید" می خوانید مرا مسخره می کردید، ولی جلوی دوستانتان به شمشیربازی بودن من افتخار می کنید - بله، من گاهی وقت ها این را می شنیدم، و برای من یک دنیا ارزش دارد.



## مربیان گرامی ام

از شما سپاسگزارم که حتی در روزهایی که تنها خواسته من دور انداختن اسلحهام و فرار به خانه بود، پتانسیل شمشیرباز شدن را در من می دیدید، و مخصوصاً از شما تشکر می کنم که وقتی از بدست گرفتن سلاحم بیزار شده بودم نگاه تان را از من دزدید. از شما به خاطر توانایی تان در تکرار عبارات "شما می توانید!" و "کارت عالی!" ممنونم. بله، من می دانم که وقتی برای هزارمین بار یک اشتباه را تکرار می کردم، چقدر برای شما سخت بود که مرا تشویق کنید. ممنونم که آن روزهای بدی را که دنیای اطرافم تیره و تار می شد، زیرا همه دوستانم مشغول تفریح بودند، اما شما تشخیص دادید که استعداد آن را دارم و مرا تشویق کردید تا تمریناتم را ادامه دهم. ممنونم که در اوایل درس انفرادی به رفتار خسته کننده من توجه نکردید تا رابطه سالم ما حفظ شود. خداروشکر که شما واقعاً به مشکلات من خوب توجه می کردید. ممنونم که خوب متوجه می شدید که برخی روزها تنبل و حال و حوصله نداشتم، زمانی که تنها چیزی که دوست داشتم اینکته روی مبل دراز بکشم و به این فکر کنم که چقدر بدبختم، چون همه اطرافیانم سرگرم بودند اما من باید در یک مسابقه لعنتی دیگر شرکت کنم. از شما سپاسگزارم که وقتی در تمرین روز شنبه بعد از یک جمعه پر فعالیت به وضوح خسته بودم، وانمود کردید که متوجه نیستید، حتی وقتی که تمرینات ویژه بدنسازی را دادید و من نمی توانستم آنها را خوب اجرا کنم، به روی خود نیاوردید. ممنونم که وقتی به حرف های شما توجه نمی کردم با شوخی با من برخورد می کردید. سپاسگزارم برای آن مواقعی که مرا تشویق به انجام کارهایی که فراتر از توانایی ام بود، و مرا آنقدر تحت فشار قرار دادید تا بتوانم کارهای که فکر نمی کردم بتوانم انجام دهم، مخصوصاً زمانی که تصمیم به ترک شمشیربازی کرده بودم. برای آن لحظاتی که دقیقاً می دانستید چه زمانی باید سختگیر باشید و چه زمانی تنها باید گوش کنید و سر تکان دهید، سپاسگزارم. ممنونم که وقتی فکر می کردم کاری از من ساخته نیست از من دست نکشیدید. و مهم تر از همه، از اینکه درک می کنید که عبارت "من خوبم" من به معنای "من واقعاً خوب نیستم!" می باشد. و دقیقاً می دانید چه زمانی باید وانمود کنید که به من اعتماد

دارید و چه زمانی باید مرا ترغیب کنید. از شما متشکرم که آن آدم زندگی من هستی که بعدها دوباره و دوباره به سراغش خواهم آمد، دقیقاً به این دلیل که اکنون در کنار من هستید.

## هم باشگاهی های خوبم

از حضور شما در زمانی که به کسی نیاز داشتم که واقعاً بتواند به من کمک کند، سپاسگزارم. متشکرم که متوجه بودید که عبارت "از این ورزش متنفرم!" من معمولاً به معنای "مسابقه ام وحشتناک بود!". از شما ممنونم که پیشنهاد دادید نوشیدنی چای سرد بخورم، زیرا من در هفته گذشته کاملاً توخالی شده بودم - به من اعتماد کنید، این شما بودید که به داد من رسیدید! از شما ممنونم که وقتی در آخرین تمرین حاضر نشدم با شما بازی بکنم، به من بد و بیراه نگفتید، یا حداقل تظاهر به این هم نکردید. لطفاً بدانید که من از شما ناراحت نبودم، بلکه به این دلیل بود که تیم حریف همه چپ دست بودند، و من بعد از آخرین مسابقه خودم که در مقابل چپ دست ها باختم از بازی با آنها نفرت دارم. از شما برای آن چت‌های گروهی که در طول مسابقات، زمانی که برخی از ما مسابقه می دادیم و برخی دیگر در خانه می ماندیم، و همدیگر را تشویق می کردیم متشکرم. پیام "آفرین. عالی بود!" شما معنای همه چیز را می داد، حتی زمانی که من قطعاً ضربه ای را نزده بودم. از شما برای به اشتراک گذاشتن تنقلات خود در طول روزهای مسابقات که مادرم به طور غیرمسئولانه تصمیم گرفته بود وظیفه والدین خود را کنار بگذارد، و من بدون هیچ چاشتی آمده بودم، سپاسگزارم. و به خاطر استرس زیادم تمام تنقلات شما را قبل از بازی های حذفی خوردم، اما شما به من هیچی نگفتید - زیرا شما خوب می دانید که قرار گرفتن جزو آخرین نفرات صعود کننده از مرحله مقدماتی (پول) کمی استرس دارد! من قدردانی می کنم که چگونه در یک بازی به شدت با یکدیگر رقابت می کنیم و بعد از آن باهم چیپس می خوریم و پشت بعضی ها غیبت می کنیم، و به نتیجه بازی ۱۵-۰ برخی بچه ها بخندیم. از شما متشکرم که در مسابقات تعمیرکار اضطراری من می شوید، بویژه وقتی سیم بدنم در یک بازی پول از کار می افتد و من سیم دومی ندارم، در صورتی که همه ما می دانیم که باید حداقل دو سیم بدن داشته باشیم. و مهم تر از همه، از شما خالصانه متشکرم که خوب می فهمید که چرا من روی یک ضربه خاص وسواس دارم، زیرا چند هفته پیش چنین ضربه ای را خورده بودم. و لطفاً بدانید، وقتی شما در یک مسابقه مرا شکست دادید و به مدت یک هفته با شما صحبت نکردم، من اصلاً از دست شما عصبانی نبودم. ، این بی انصافی از طرف من بود و من از خودم عصبانی بودم که شما آن بازی حذفی را از من بردید و به جای من امتیاز گرفتید. با این حال از صمیم قلب دوستتان دارم.



## حریف های دلبندم

از اینکه به رشد من کمک کردید متشکرم، بویژه که هیچ یک از ما در طول مسابقه به رشد فردی فکر نمی کردیم. از شما متشکرم که وقتی بارها و بارها یک ضربه را از دست دادم و شروع به رفتار بدی کردم، خونسردی خود را حفظ کردید. از شما متشکرم که پس از ناکامی من

در دور مقدماتی (پول) برای صعود زورکی من به دور حذفی برای من شادی کردید. از اینکه به دوستانتان گفتید که من حریف بعدی شما در دور حذفی هستم و در این دور حریف کاملاً متفاوتی خواهم بود، متشکرم. بله، من این را شنیدم و شدیداً به خودم و آینده ام امیدوار شدم. البته این امید هنوز محقق نشده است، اما بذرش را در دلم کاشت. من از شما که آن همه "بازی های خوب" واقعی را باهم برگزار کردیم، قدردانی می کنم، حتی زمانی که هر دوی ما می دانستیم که برخی از این بازی های به دلیل گرگوری زشت ترین مسابقات تاریخ شمشیربازی ما بود، به استثنای زمانی که برای قهرمانی باهم می جنگیدیم. از شما که بدون نشان دادن کلافگی یا آه بلند کشیدن با کمیوهای من کنار آمدید، و توانستید در مقابل من بازی کنید، سپاسگزارم، زیرا با این کارتان واقعاً مرا نجات دادید. از شما که گریه مرا درآوردید ممنونم چون با این کار مرا آبدیده تر کردید، اگرچه هنوز معتقدم که آن آخرین امتیاز ناعادلانه به شما داده شد! برای کسانی که گریه آنها را درآوردم متاسفم، و از شما تشکر می کنم که دفعه بعد قوی تر برگشتید و به من نشان دادید که پیروزی من احتمالاً شانسی بود. ممنون که وقتی فیلم آن ضربه استثنایی را که از شما خوردم در اینستاگرام آپلود کردید مرا تگ نکردید، و از عبارت ضربه به یک شمشیرباز "گمنام" استفاده کردید - خدا می داند که من دوست ندارم تمام دنیا به من بخندند. ممنون که با عبارت "در فینال می بینمت!" به من یاد دادید که مفهوم آن این است که هر دوی ما فینال ها را از روی صندلی تماشاگر تماشا خواهیم کرد (البته اگر بعد از بازی های نچسب من، حال و هوای آن را داشتیم که تا آخر مسابقه بمانم). و مهم تر از همه، از شما متشکرم که به من نشان دادید که سرسخت ترین رقبای روی پیست می توانند بهترین دوستان من باشند. من این را واقعا از ته دل می گویم!



## داوران محترم

از شما متشکرم که وقتی بعد از آن ضربه منفجر شدم اما شما خونسردی خود را حفظ کردید - همان ضربه ای که ۱۰۰٪ مطمئن بودم به نفع من است، حتی بعد از تماشای ویدیو مشخص شد که شاید کمی اشتباه کرده بودم. از شما سپاسگزارم که وقتی در کمال ناباوری به شما خیره شدم و از شما توضیح بیشتری در مورد یک ضربه خواستم، حوصله خود را از دست نداده اید. من از شما که می توانید قضاوت "بدون امتیاز!" با چنان قدرتی اعلام کنید که من جرأت نمی کنم آن را زیر سوال ببرم. ممنون که با اعلان فرمان "حمله از راست!" که من آن را به وضوح یک ضربه می دانستم، همچنین زمانی که حریف من ضربه خود را بطور واضح از خارج پیست زده بود، به چپ چپ نگاه کردن من توجه نکردید. به کسانی که به من کارت زرد دادند تا صبرشان را امتحان کنم درود می فرستم. از شما ممنونم که به من یاد دادید که گاهی سکوت واقعاً طلا است. از شما متشکرم که وقتی مربی من مجبور شد قبل از اینکه بتوانم برایش در مورد قضاوت اشتباه شما سخنرانی کنم، و مرا مورد سرزنش فیزیکی قرار دهد، به داد من رسیدید. و مهم تر از همه، با وجود اینکه گاهی اوقات نشان می دادم که هر قضاوت علیه من، یک تهاجم شخصی به ناموس، خانواده و آینده حرفه ای شمشیربازی من است، مرا تحمل کردید. از شما تشکر می کنم که در مسابقات متوالی عملکرد خوبی از خود نشان دادید. راستش را بخواهید، من همیشه در مورد شما بد فکر نمی کنم و چنین نگرش را اصلاً ندارم، بجز زمانی است که یک قضاوت اشتباه از شما می بینم!

## تعمیر کار ارزنده

از شما متشکرم که وقتی اسلحه از کار افتاده ام را برایتان آوردم متوجه شدید آن را با چسب نواری و دعا و صلوات آن را سرپا نگه داشته ام، در مورد من خیلی بد قضاوت نکردید. از شما سپاسگزارم که تجهیزات مرا سی ثانیه قبل از شروع بازی های جدول تعمیر کردید، وسیله ای که سه هفته قبل از مشکل آن مطلع شده بودم اما تصمیم گرفته بودم که شاید "به خودی خود حل شود." از شما متشکرم که وقتی گفتم "من نمی دانم چگونه این اتفاق افتاد!" تظاهر به باور کردید، زیرا واقعاً تقصیر من نبود! از اینکه متوجه شدید که والدینم دو ساعت قبل از شروع مسابقه اصرار زیادی داشتند تا اسلحه هایم را بررسی کنم، از شما تشکر می کنم که موضوع خرابی را به آنها اشاره نکردید. برای کسانی که توانستند سیم بدن مرا برای پنجمین بار در این فصل تعمیر کنند بی نهایت احترام قائل هستم. از شما تشکر می کنم که در مورد مراقبت از تجهیزات مناسب برای من سخنرانی نکردید. و مهم تر از همه، از شما برای حضور در حاشیه کلیه مسابقات تا در شرایط اضطراری تجهیزات ما را راست و ریس کنید، ممنونم، زیرا هیچ چیز پدرم را از دریافت یک کارت قرمز قبل از شروع یک بازی دیوانه تر نمی کند.



## دوستان گلم

از شما متشکرم که وانمود می کردید که فرق بین حمله و دفاع را خوب متوجه شده اید، اما در واقع هنوز به خوبی نمی دانید تفاوت آنها چیست. از شما متشکرم که از دعوت من به مهمانی ها ناامید نشدید، با اینکه همه شما می دانستید که پاسخ من: "ببخشید، فردا مسابقه دارم!" می باشد، یا اینکه مهمانی را زودتر ترک می کردم با این بهانه که: "می دانید فردا تمرین دارم!". از اینکه در مورد نتایج من سوال می کنید حتی اگر فرق بین نتایج برخی مسابقات را نمی توانید تشخیص دهید، از شما سپاسگزارم. از اینکه وقتی در چت گروهی خود به دلیل استفاده از اصطلاح های شمشیربازی که فقط من آنها را می فهمم، مرا آنفالو نمی کنید ممنونم. همان طور که هر دوی ما می دانیم من هرگز چت گروهی را اسپم نخواهم کرد، چون واقعاً معتقدم که شما به اندازه خودم به زندگی شمشیربازی من علاقه مند هستید. از شما سپاسگزارم که هنوز هم دوست من هستید وقتی در طول فصل مسابقات هفته ها از دید همه ناپدید می شوم. به آن معدود دوستان منتخبی که به توضیحات طولانی من در مورد اینکه چرا آن داور کاملاً اشتباه بود پاسخ دادند، سپاسگزارم، زیرا هر دوی ما می دانیم که درک یک عبارت شمشیربازی دشوار است. و مهم تر از همه، از شما متشکرم که مرا در انتخاب بین زندگی نوجوانی "عادی" و زندگی شمشیربازی آزاد گذاشتید. به من اعتماد کنید، تماشای استوری های اینستاگرام شما قبل از یک مسابقه به کرات باعث شده است بیشتر از آنچه فکر می کنید، انتخاب زندگی فعلی ام را زیر سوال ببرم!

## خطاب به جامعه شمشیربازی:

از شما برای اینکه خانواده آخر هفته و خانواده خارج از خانه من هستید، سپاسگزارم. از همه والدین حاضر در محل برگزاری تمرینات و مسابقات که همیشه آماده ارائه کمبودهای من، از جمله: پیچ پوینت، پیچ گوشتی، آچار آلن، سیم بدن، دستکش، خرما و هرگونه خوردنی یا کلمات تشویق کننده مورد نیاز، هستید، سپاسگزارم. از شما برای ایجاد این دنیای شگفت انگیز عجیب و غریب متشکرم که هر کدام از

شما والد همه بچه های کلاس هستید و بین فرزند خود و سایر بچه ها فرق نمی گذارید. و برای شما هیچ فرقی ندارد که رشته سایر بچه ها با سلاح فرزند شما اختلاف دارد یا خیر، و پس از باخت ۱۵-۱۴ یکی از بچه ها به سرعت شروع به تسکین و آرام کردن او می پردازید. از بودن شما متشکرم که به راحتی یک بچه خجالتی را راه می اندازید و آنچنان برخوردی با او می کنید که احساس می کند در میان خانواده خودش هست و مشتاقانه ساعت شماری می کند تا در تعطیلات آخر هفته کنار هم باشیم. از شما برای آن لحظات حساس مسابقاتی که در نتیجه ۱۴-۱۴ یکی از بچه ها نفس خود را حبس می کنید، حتی اگر فرزند شما هم نباشیم، متشکرم. من قدردانی می کنم که چگونه تلاش می کنید تا به هر شمشیرباز جدید خوش آمدگویی بگویید، و برای صدمین بار به او می آموزید که چگونه باید از وسایل خود استفاده کند یا کدام تکه از لباس شمشیربازی را باید اول بپوشد، شلوار، پلاسترون یا وست. از شما برای ایجاد آن فضای عالی در هنگام گرفتن احکام قهرمانی با آن هیجان واقعی ممنونم. و مهم تر از همه، از شما به خاطر داشتن آن جامعه منحصر به فردی که در آن سرسخت ترین رقیب های ما علاقمند به دوستی با ما و از جمله بهترین دوستان ما شده اند، تشکر می کنم، جایی که هر تورنمنت شبیه به یک گردهمایی خانوادگی شده است (حتی با وجود آن همه داستان های دراماتیکی که در هر مسابقه رخ می دهد)، جایی که " به امید دیدار در یک مسابقه دیگر!" ورد زبان همه قرار می گیرد و شمشیربازی به عنوان یک سرگرمی پرشور برای همه تبدیل می شود.



شمشیربازی اغلب به عنوان یک ورزش انفرادی در نظر گرفته می شود، اما حقیقت این است که هر ضربه ای که به ثمر می رسد، هر مدالی که کسب می شود، و هر درسی که آموخته می شود محصول این دهکده باورنکردنی است. و همان طور که به سفر خود در این ورزش ادامه می دهیم، حمایت، خرد و عشق همه این افراد که زندگی شمشیربازی مان را می سازند آینده ما را درخشان و درخشان تر می کنند.

## Igor Chirashnya